فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره چهارم (پیاپی ۳۴)، زمستان ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http: //serd.khu.ac.ir
صفحات ۲۰-۱

ارزیابی عوامل مؤثر بر کاهش فقر با تأکید بر شاخص‌های نو منطقه‌گرایی مورد: شهرستان کوهدشت - استان لرستان

لیلا مفاخری؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
محمد سلیمانی‌مهرنجانی*؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
احمد زنگانه، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله:۱۳۹۸/۱۱/۱۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

چکیده

دردهه‌های اخیر رویکردهای مختلفی جهت کاهش فقر در سطوح مختلف جغرافیایی پیشنهادشده است. رویکرد نو منطقه‌گرایی به‌عنوان یکی از رویکردهای جغرافیایی و فضایی به توسعه محلی و کاهش فقر شهری و روستایی توسط جغرافیدانان و سیاست‌گذاران پیشنهادشده است. نو منطقه‌گرایی، ماهیتاً بیانگر سیر تکاملی منطقه‌گرایی، به‌دوراز رویکردهای دولت‌محور، برای تأسیس نوع جدیدی از منطقه که نهادهای مدیریتی همیاری می‌کنند، در موضوعاتی از قبیل رشد اقتصادی، رقابت‌پذیری منطقه‌ای، موضوعات محیط زیستی و ایجاد شبکه‌ها می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل نقش رویکرد نو منطقه‌گرایی در کاهش فقر شهرستان کوهدشت است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه در سطح نواحی شهری و روستایی جمع‌آوری‌شده است. برای تحلیل داده‌ها از ابزارها و مدل‌های آماری ازجمله تحلیل همبستگی و تحلیل مسیر استفاده‌شده است. نتایج نشان می‌دهد که شهرستان کوهدشت به لحاظ شاخص‌های نو منطقه‌گرایی وضعیت مناسبی دارد که می‌تواند با تقویت آن‌ها و هدایت کردن سرمایه‌های اجتماعی در قالب مشارکت‌های اجتماعی و تعاونی‌های تولیدی در نواحی شهری و روستایی فرآیند سرمایه به ثروت اتفاق بیافتد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عوامل دانش کارآفرینی (۰/۸۱)، مشارکت اجتماعی (۰/۲۱۷)، جنسیت (۰/۱۳۳)، اعتماد عمومی (۰/۱۲۶) و اعتماد نهادی (۰/۱۲۴) بیشترین تأثیر را بر ظرفیت کارآفرینی (شاخص کاهش فقر شهری و روستایی) دارد. بنابراین جهت بهبود وضعیت اقتصادی و محرومیت در نواحی شهری و روستایی شهرستان کوهدشت لازم است شاخص‌های مربوطه موردتوجه قرار گیرد. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان چنین بیان کرد که تغییر رویکرد منطقه‌گرایی به نو منطقه‌گرایی در برخورد با توسعه اقتصادی محلی و نواحی محروم می‌تواند به آزادسازی ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی شده و اقدام اجتماعی و محلی را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: فقر، محرومیت روستایی، توسعه محلی، نو منطقه‌گرایی، شهرستان کوهدشت.

* m_soleimani_mehr@yahoo.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

۱) مقدمه

فقر پدیده‌ای چندعاملی و پیچیده است (Hettne and Söderbaum,1998: 232). پیچیدگی این پدیـده، از ابعـاد مختلـف و متعـدد بودن عوامل ایجادکننده‌ی آن ناشی می‌شود. به همین دلیل، علوم مختلف انسانی و اجتماعی با رویکردهای گوناگونی به این پدیده نگریسته‌اند (Hettne and Söderbaum,1998: 232). بشر از گذشته تاکنون درصدد از بین بردن این پدیده‌ی نامطلوب بوده، اما هنوز نتوانسته است این معضل را از جامعه ریشه‌کن سازد (علمی و علی تبار، ۱۳۹۱: ۱۱۲). از اواخر دهه ۷۰ و به‌ویژه با شروع دهه ۸۰ به دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی‌سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر با شدت بیشتری موردتوجه قرار گرفت. توجه به مسئله فقر و فقرزدایی یک موضوع جهانی بود که ایران را نیز در برگرفت (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۵). مسئله فقر، نه‌تنها یکی از مهم‌ترین مسائل جهان، بلکه یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات داخلی کلیه جوامع، چه ثروتمند و چه فقیر می‌باشد. ازنظر مکانی نیز فقر در سکونتگاه‌های شهری و روستایی قابل مشاهده و بررسی است. فقر در روستاها گسترده‌تر از فقر در شهرهاست (وندقی, ۱۳۹۶: ۵۲). فقر در مکان‌های مختلف تحت تأثیر عوامل مختلف به وجود می‌آید و برای کاهش آن نیز باید از نیروهای ویژه هر مکان جغرافیایی کمک گرفته شود. از دیدگاه نظریه‌ها و رویکردهای برنامه‌ریزی، به‌کارگیری رویکردهای محلی و برنامه‌ریزی مشارکتی ازجمله جدیدترین رویکردها به پدیده فقر است. یکی از رویکردهای جدید در حوزه توسعه محلی و کاهش فقر شهری و روستایی (به‌مثابه یک سطح جغرافیایی)، رویکرد نو منطقه‌گرایی است. نو منطقه‌گرایی رویکردی جدید است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ شروع به ظهور کرد و هنوز هم ادامه دارد این پدیده نوظهور در مقابل منطقه‌گرایی (قدیمی) که از دهه‌ی ۱۹۵۰ آغاز شد و در سال ۱۹۷۰ خاتمه یافت، به پا خواست. نو منطقه‌گرایی یک فرآیند پیچیده و متغیر است که به‌صورت همزمان و در سطوح مختلف ازجمله در سطح جهانی، سطح روابط میان منطقه‌ای و ساختارهای داخلی منطقه مورداستفاده قرار می‌گیرد (Hettne and Söderbaum,1998: 325). منطقه‌گرایی به‌طورکلی به دو دسته منطقه‌گرایی قدیم (۱۹۷۰-۱۹۵۰) و منطقه‌گرایی نوین (۱۹۸۰ تاکنون) تقسیم می‌شود. منطقه‌گرایی قدیمی اغلب به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم حرکتی از بالا به پایین دارد و به‌صورت دولت‌محور عمل می‌کند و نگاهی بیرونی به منطقه دارد ولی در منطقه‌گرایی نوین فرآیندی خودجوش و حرکتی از پایین به بالا و به‌صورت مشارکتی بین دولت و نهادهای مردمی و از درون منطقه خود ظهور می‌کند (ساعی، ۱۳۸۵: ۸۵). تکیه‌بر ساختارها و نهادهای متمرکز و غیر دموکراتیک و بی‌توجهی به نهادهای عمومی و مدنی «و تداوم رویکرد » برنامه‌ریزی متمرکز، بخشی و از بالا به پایین» و «تمرکزگرایی سیاسی– اداری» به آشفتگی در نظام مدیریت فضایی ایران منجر شده است (الله پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴). نظام اجرایی کشور، ماهیتی دوگانه (دولتی -عمومی و انتصابی- انتخابی) دارد. همچنین به دلیل ساختار متمرکز و یکپارچه دولت، نقش مقامات دولتی در اداره امور کشور، مؤثرتر و قوی‌تر است و نهادهای انتخابی عمدتاً دارای قدرت اجرایی محدود به شهر و روستا هستند (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۶: ۷). بنا بر تعاریف نو منطقه‌گرایی، کاهش فقر منوط به فعال‌سازی و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

ارتقاء ظرفیت‌های انسانی و طبیعی محلی است تا در راستای بهبود معیشت پایدار و کاهش فقر روستایی و شهری منجر شود. منظور از ارتقاء ظرفیت‌ها این است که نواحی روستایی و شهری در مناطق محروم به‌صورت مشارکتی و برنامه‌ریزی پایین به بالا فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌برداری از منابع طبیعی را شروع کرده و به یک توسعه محلی منجر شود. سنجش فقر به‌عنوان یکی از ملاک‌های توسعه در سطح جوامع مطرح بوده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲) و همیشه بررسی عوامل تأثیرگذار بر فقر در مناطق روستایی و شهری موردتوجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه در ایران بوده است (هندی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱). بررسی وضعیت فقر در سطوح مختلف جغرافیایی ایران و سنجش عوامل مؤثر بر آن از ضروریات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است. یکی از شهرستان‌های محروم و فقیر کشور، شهرستان کوهدشت در استان لرستان است. شهرستان کوهدشت بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار دارای ۱۶۶,۶۵۸ نفر جمعیت است که ۶۴,۳۷۳ در نقاط روستایی و ۱۰۲,۲۸۵ در نقاط شهری زندگی می‌کنند. اگر بیکاری به‌عنوان یکی از شاخص‌های فقر در نظر گرفته شود، نرخ بیکاری شهرستان کوهدشت در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۶ درصد بوده است که از میانگین کشور (۱۲/۵درصد) بالاتر است. این نرخ بیکار در نقاط شهری و روستایی شهرستان قابل مشاهده است. همچنین میزان مهاجرت خالص این شهرستان بیش از ۶۰۰- نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۱۰۳). هدف اصلی از این پژوهش، ارزیابی عوامل مؤثر بر کاهش فقر با تأکید بر شاخص‌های نو منطقه‌گرایی در سطح شهرستان کوهدشت است. درواقع این پژوهش در پی شناسایی و تحلیل میزان تأثیر عوامل مؤثر بر کاهش فقر شهرستان کوهدشت است که برای این منظور از تحلیل‌های آماری و ساختاری بهره گرفته می‌شود.

۲) مبانی نظری

فقر، قوی‌ترین و شایع‌ترین مصیبتی است که بشر همواره با آن دست‌به‌گریبان بوده و جوامع انسانی را گرفتار خودکرده است (Laderchi Caterina, Saith and Stewart ,2003: 2). باآنکه حکومت‌های زیادی در طول تاریخ برای ریشه‌کن کردن این پدیده شوم تلاش کرده‌اند، این مسئله هنوز به‌عنوان مهم‌ترین معضل در بسیاری از کشورها خودنمایی می‌کند (یوسفی, مهدیان و خلج، ۱۳۹۴: ۷۰۱). اکثر محققان و مفسران در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق‌نظر دارند. تانسند (۱۹۸۵) در مطالعات خود در خصوص فقر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ فقر را به‌صورت زیر تعریف کرده است: "افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به‌حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند». (Townsend, 1985: 48)." ازنظر "آمارتیاسن[1]" تمامی تعاریف صورت گرفته در مورد فقر به‌نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیت، خود مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً باهم فرق داشته باشند. تقریباً تمامی اقتصاددانان تقسیم‌بندی فقر را به دو گروه کلی تقسیم می‌کنند: فقر در تعریف مطلق آن به‌عنوان ناتوانی فرد یا یک خانواده در دسترسی به منابع کافی برای تأمین نیازهای اساسی

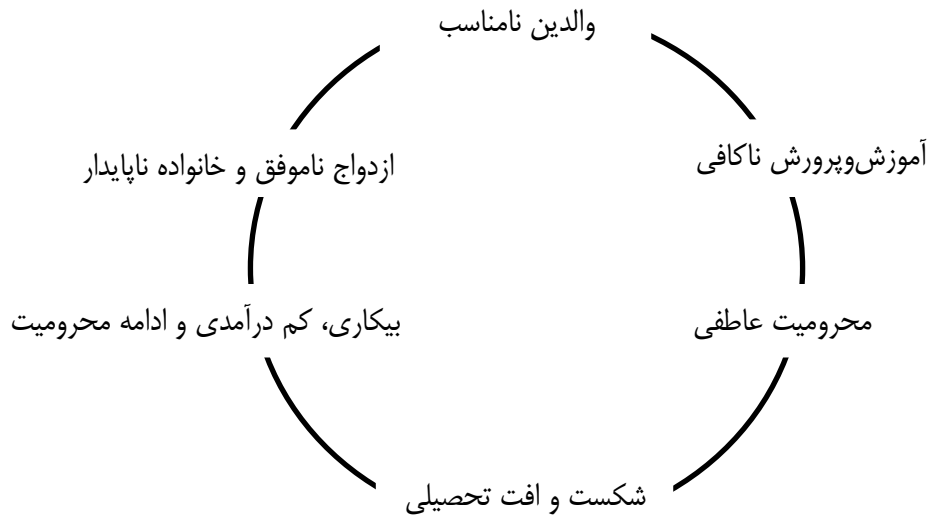
[1] Amartya Sen

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

زندگی می‌باشد (زنوز، ۱۳۸۴: ۲۱۸). در این رویکرد فقر مطلق درواقع تعریفی از ادامه بقا و یا حداقل زندگی است (Schiller 2001, 16). در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است و به ناتوانی در دسترسی به یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود تعریف‌شده است.

با توجه به گستردگی مفهوم فقر و پیامدهای ناشی از وجود طبیعی و مرضی این پدیده در جوامع مختلف، دیدگاه‌های گوناگونی در باب این موضوع شکل‌گرفته و دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. در اینجا به تعدادی از نظریات مشهور دراین‌باره پرداخته می‌شود:

دورهای باطل فقر، این اصلاح از «نورکس» است او معتقد است که در کشورهای درحال‌توسعه، مجموعه عواملی مثل کمبود سرمایه، بهره‌وری پایین و ضعف بازار وقتی باهم ترکیب می‌شوند، باعث شکل‌گیری دورهای باطل فقر می‌شوند و درنتیجه از توسعه کشورهای عقب‌مانده جلوگیری می‌کنند(lamont, et al, 2006: 25).



شکل ۱: چرخه محرومیت

مأخذ: (lamont, et al, 2006: 25).

مدل‌بالا نشان می‌دهد که طرفداران این نظریه‌ها از مفاهیم توزیع نابرابر قدرت، فرصت و امکانات می‌گریزند و جامعه و خصایص تاریخی و کنونی جامعه را مطرح نمی‌کنند. در آثار این اندیشمندان، تهی‌دستی از منظر خانواده‌های مسئله‌دار بررسی می‌شود. توصیف زندگی پدر و مادر غیرطبیعی با گرایش مجرمانه، خانه‌ای کوچک و انباشته از آشغال، پر از بچه، با پدری دائم‌الخمر، بیکار و ... و مادری بی‌دست‌وپا بالباس‌های ژنده و فرزندانی با پرونده تحصیلی خراب .(Coetzee, 2002: 32)

بر اساس دیدگاه اقتصاد سیاسی، فقر نه پدیده‌ای درونی بلکه از بیرون به افراد تحمیل می‌شود. این دیدگاه به‌طورکلی بحث خود را روی نابرابری توزیع منابع در جامعه و قدرت کنترل منابع متمرکز کرده

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

است. برای تغییر وضع فقرا نیاز به تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های فقرا نیست، بلکه باید موقعیت آن‌ها را در جامعه به روش‌های گوناگون، به‌ویژه از طریق ایجاد فرصت‌های برابر تغییر داد (Effah, 2006: 25).

اکولوژیست‌ها معتقدند که جمعیت، آب‌وهوا، نوع تولیدات، کشاورزی و ... ازجمله عوامل مؤثر در رابطه با پدیده فقر به‌حساب می‌آیند. این گروه فقر را در پرتو آنچه قابل‌رؤیت است مانند: عوامل طبیعی و تکنیک مادی و ... مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌دهند. دو عامل بسیار مهم که در این دیدگاه، به‌عنوان عوامل مؤثر بر فقر از آن یادشده عبارت‌اند از: رشد جمعیت و فشار حاصله بر منابع طبیعی و زیست‌محیطی.

چمبرز با اشاره به برخی مشاهدات صورت گرفته از مردم فقیر، نتیجه می‌گیرد که چنین مردمی ناگزیرند بین مرگ و زندگی زیست کنند، نمی‌توانند تنبل یا احمق باشند، آن‌ها ناگزیر از کار کردن آن‌هم به‌صورت طاقت‌فرسا در هر وقت و مکانی هستند تا علیه پنج عامل نامطلوب که به یکدیگر پیوند خورده و در ارتباط متقابل هستند و روستاییان فقیر را در دام محرومیت می‌اندازند مبارزه کنند.



شکل ۲. عوامل فقر از دیدگاه چمبرز

تمرکز بخش اعظم منابع ثروت و قدرت، به معنای درهم‌آمیختگی و امتزاج قدرت سیاسی و اقتصادی در مناطق نسبت به پیشرو به‌اصطلاح دارای مزیت نسبی شده و نابرابری در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی را تقویت می‌کند(افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۹). با نگاهی به تلاش‌های گذشته و بررسی الگوهای حاکم برای مقابله با فقر منطقه‌ای درمی‌یابیم که این تلاش‌ها بیشتر شامل مداخلات از خارج بوده است و کمتر به فقرا در سطح منطقه‌ای به‌عنوان تصمیم‌گیر یا عاملانی باانگیزه و توان برای بهبود اوضاع خود نگریسته می‌شد. تاکنون در اغلب کشورهای درحال‌توسعه، برنامه‌های غیر مشارکتی و از بالا به پایین و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی از اعتبار برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در این قبیل کشورها کاسته است که حاصل آن در حاشیه قرار گرفتن برخی مناطق نسبت به برخی مناطق دیگر می‌باشد که در این خصوص فقرا از سهیم شدن منافع توسعه بازمانده‌اند. تجربیات جهانی نشان می‌دهد هر جا فقرا به‌عنوان عامل، نه موضوع، در فرایند توسعه شرکت می‌کنند امکان ایجاد رشد، توسعه‌ی انسانی و برابری وجود دارد (رضوی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۰۲). ساکنان مناطق محروم به مشکلات خود به‌خوبی واقف هستند و حتی در بسیاری

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

از موارد با آن خو گرفته‌اند و به گفته لوئیس (۱۹۶۸)، فرهنگ فقر، شیوه زندگی خاصی برایشان به وجود آورده است (رضوی, ۱۳۷۷: ۷۸). در رویکردهایی که راهبردهای مشارکتی را توصیه می‌کنند مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن (رضوانی، ۱۳۸۳: ۴۵). در سال‌های اخیر مباحث توسعه منطقه‌ای بیشتر متوجه تساوی و برابری در توزیع فواید توسعه و مقابله با فقر بوده درواقع تأکید شده است که باید در طراحی و ارزیابی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های منطقه‌ای مشارکت نمایند و ساختار و شکل تجارب و تعامل بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی باید به‌گونه‌ای باشد که اجرای راهبردهای توسعه منطقه‌ای را تسهیل کند. مشارکت فعال در حوزه منطقه‌ای از طریق اجتماعات محلی به دست می‌آید که هدف اولیه آن‌ها پیگیری و تحقق اهداف اقتصادی یا اجتماعی است (کلیتون, اوکلی و پرات، ۱۳۸۳: ۴۵).

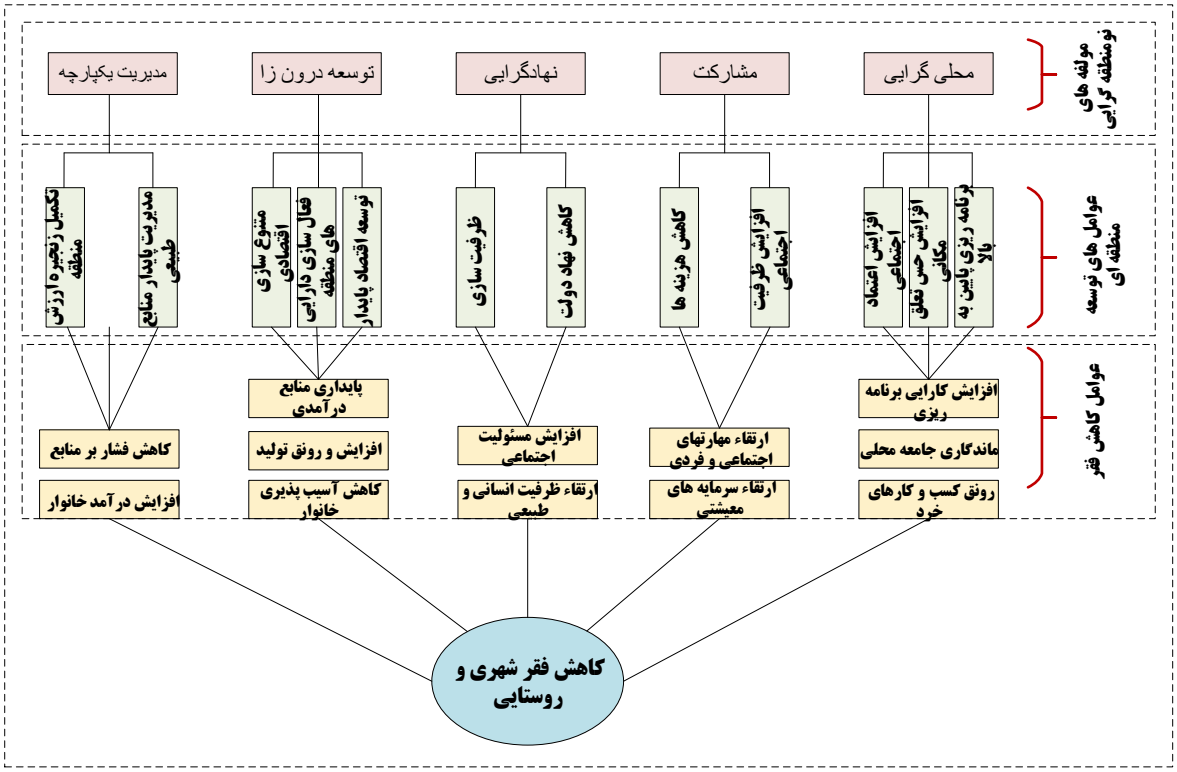
هتنه یکی از نظریه‌پردازان معروف و پیشگام درزمینه نو منطقه‌گرایی، نو منطقه‌گرایی را یک پروژه منطقه‌ای برای ایجاد یک نظم جدید جهانی در واکنش به جهانی‌شدن اخیر می‌داند. پروژه‌های نو منطقه‌گرایی در پیوستگی با یک"منطقه" خاص تعریف می‌شود. این واقعیتی است که منطقه جهت‌گیری و محتوای منطقه‌گرایی را تعیین می‌کند (Park, 2006: 286). همچنین نو منطقه‌گرایی به فرآیندی اشاره می‌کند که بازیگران، عمومی یا خصوصی، در فعالیت‌هایی فرای مرزهای دولتی درگیر می‌شوند تا سیاست‌های آگاهانه یکپارچگی با دیگر دولت‌ها را توسعه‌دهند(Gruge ,2004: 606). نو منطقه‌گرایی، ماهیتاً بیانگر سیر تکاملی منطقه‌گرایی، به‌دوراز رویکردهای دولت‌محور، برای تأسیس نوع جدیدی از منطقه که نهادهای مدیریتی همیاری می‌کنند، در موضوعاتی از قبیل رشد اقتصادی، رقابت‌پذیری منطقه‌ای، موضوعات محیط زیستی و ایجاد شبکه‌ها می‌باشد. این رویکرد تصدیق می‌کند که سیاست‌های متعارف حکومت‌ها در ارتباط با بسیاری از چالش‌های توسعه‌ی پایدار ناکافی می‌باشد و یک نیازی برای متصل کردن هردوی بازیگران دولتی و غیردولتی در فرآیند برنامه‌ریزی در میان مقیاس‌های محلی تا بین‌المللی لازم می‌باشد. برخی از ویژگی‌های کلیدی نو منطقه‌گرایی عبارت‌اند از:

- یک تمرکز بر روی تعریف فضایی؛
- تأکید بر فرآیند منطقه‌بندی برای مدیریت مشکلات مرتبط با رشد؛
- پذیرش رویکردهای کل‌نگر و یکپارچه؛
- تمرکز بر رویکردهای هنجاری؛
- و ترکیب اصول طراحی شهری و برنامه‌ریزی فیزیکی (peterson, et al, 2007: 133)).

نو منطقه‌گرایی به‌عنوان یک‌شکل چندبعدی از یکپارچگی در نظر گرفته می‌شود که شامل جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد، درنتیجه درک فعالیت‌های منطقه‌ای را به ورای ایجاد قراردادهای تجاری آزاد یا رژیم‌های امنیتی می‌برد. منطقه‌گرایی همچنین به‌طوری در نظر گرفته می‌شود که یک هدف راهبردی منطقه‌سازی با ایجاد به هم‌پیوستگی و هویت منطقه‌ای، را دارا باشد (Farrell, Hettne and Langenhove, 2005: 8)..

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

در زمینه نو منطقه‌گرایی و فقر، که بحث جدیدی در جغرافیا می‌باشد پژوهش‌هایی در سطح جهان انجام گرفته است ولی در ایران در این خصوص بسیار کم‌کار شده است. در اینجا به بررسی نتایج مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص فقر و نو منطقه‌گرایی در داخل و خارج کشور پرداخته می‌شود.

در پژوهشی که توسط پیرایی و شهسوار در سال ۱۳۸۸ تحت عنوان بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس انجام‌گرفته است به وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس طی سال‌های ۸۶-۱۳۷۴ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خط فقر مطلق بر مبنای ۵۰ درصد میانه مخارج خانوارها تعیین‌شده و سپس شاخص‌های فقر مانند نسبت سرشمار، نسبت شکاف درآمدی، شدت فقر، شاخص سن و کاکوانی معرفی و برای مناطق شهری و روستایی استان محاسبه شده است. محاسبه این شاخص‌ها نشان می‌دهد که میزان خط فقر مطلق سالانه خانوارها در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده و روند شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی نشان‌دهندهٔ روند نزولی فقر در این مناطق طی دوره موردبررسی است (پیرایی و شهسوار، ۱۳۸۸: ۲۳۳). در پژوهشی که رشیدی و ناجی میدانی در سال ۱۳۹۲ تحت عنوان بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان خراسان رضوی (۱۳۹۱-۱۳۸۵) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که ۵۰ و ۶۶ درصد میانه و میانگین هزینه‌های خانوار نشان‌دهنده افزایش سطح خط فقر نسبی در طول سال‌های موردمطالعه می‌باشد ولی محاسبه شاخص‌های "سن"، "نسبت سرشمار"، "کاکوانی" و شاخص " فاستر، گریر، توربک" حاکی از بهبود وضعیت فقر نسبی در دوره زمانی مذکور می‌باشد (رشیدی و ناجی میدانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). در

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

پژوهشی که صرافی و نجاتی در سال ۱۳۹۲ تحت عنوان رویکرد نو منطقه‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه فضایی ایران انجام دادند، یافته‌ها بیانگر آن است که این رویکرد برای حل بسیاری از نارسایی‌های کنونی توسعه منطقه‌ای، و نیز مواردی همچون تعادل‌بخشی، بهره‌برداری بهینه و هم‌افزایی منابع، راه‌گشاست. همچنین نشان داده شده است که بنا بر ماهیت رویکرد نومنطقه‌گرایی، می‌توان از آن برای استفاده و تقویت مزیت‌های رقابتی مناطق کشور بهره برد. به‌کارگیری رویکرد نومنطقه‌گرایی در نظام مدیریت فضایی ایران، مستلزم آن است که از یک‌سو محدوده‌ای جدید در سطح منطقه‌ای برای آن تعریف شود و از سوی دیگر، الزامات قانونی مدیریت یکپارچهٔ فضایی در این محدوده، در نظام تقسیمات کشوری پاسخ داده شود. این رویکرد را می‌توان برای رسیدن به اهداف گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی و در سطوح مختلف از مقیاس درون کشوری تا فراملی و با مشارکت همهٔ بازیگران (از قبیل دولتی و غیردولتی) از طریق نهادها به‌صورت توأم، پایین به بالا و بالا به پایین، در نظر گرفت (صرافی و نجاتی، ۱۳۹۲: ۸۵۷). در حوزه فقر نیز محمدی یگانه و همکاران در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی تحت عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی موردشناسی؛ دهستان محمودآباد، شهرستان شاهین‌دژ به این نتیجه رسیدند که دریافت اعتبارات بانکی باعث کاهش فقر در محدوده موردمطالعه شده است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عامل دارایی، تحصیلات و اعتبارات بانکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در محدودهٔ موردمطالعه بوده است (یگانه و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۳). در پژوهشی دیگر هندی‌زاده و همکاران در سال ۱۳۹۷ در پژوهشی تحت عنوان تحلیل فضایی عوامل اثرگذار بر فقر روستایی و ارتباط آن با تخریب محیط‌زیست مورد: شهرستان قائنات به این نتیجه رسیدند که علاوه بر عواملی مانند تعداد افراد خانواده، تحصیلات، تخریب محیط‌زیست، وضعیت مسکن، درآمد و داشتن شغل دوم، بررسی اینکه وضعیت فقر در مناطق مجاور و همسایه به چه صورت است هم بر فقر روستایی کشاورزان موردمطالعه اثرگذار است (هندی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۵). در پژوهش‌های خارجی در سال ۱۹۹۸ هتنه و همکاران در پژوهشی تحت عنوان رویکرد نو منطقه‌گرایی، به اصول و مفاهیم اصلی نومنطقه‌گرایی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که نومنطقه‌گرایی در سطوح و مقیاس‌های متفاوتی قابل بررسی است و برای تحلیل‌های محلی و برنامه‌ریزی پایین به بالا از این نوع رویکرد بهره گرفته می‌شود (Hettne & Söderbaum,1998: 6). شانکار وشان در سال ۲۰۰۳ در پژوهشی با عنوان برهم زدن تقسیم اقتصادی درون کشورها: کارت امتیازی برای اجرای سیاست‌های منطقه‌ای در کاهش تفاوت‌های درآمد منطقه‌ای، عملکرد سیاست منطقه‌ای را در بین کشورهای مختلف بررسی کرده‌اند. هدف پژوهش مذکور این بود که فرضیه تمرکززدایی مالی را به‌طور کاربردی موردبررسی قراردهند. فرضیه مذکور، موجب افزایش نابرابری منطقه‌ای در کشورهای درحال‌توسعه شده است. آن‌ها با استفاده از اطلاعات چند کشور و دو مفهوم اساسی منطقه‌ای (شامل همگرایی و همگرایی ضعیف) به سنجش نابرابری‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سیاست‌های توسعه منطقه‌ای، در بسیاری از کشورها شکست‌خورده و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

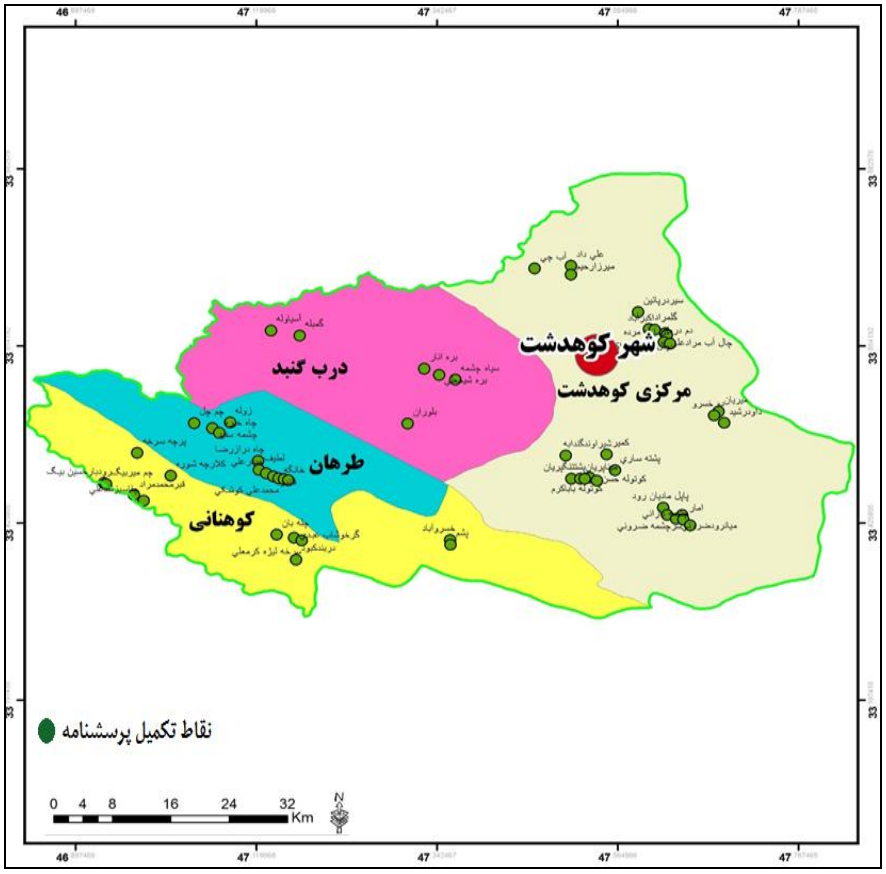
نابرابری‌های منطقه‌ای در کشورهای متمرکز و فدرال، بیشتر از سایر کشورها بوده است. کشورها تغییرات معنی‌داری را در نابرابری درآمد منطقه‌ای داشته‌اند (Shankar & Shah, 2003: 1421).

۳) روش تحقیق

این پژوهش ازنظر هدف کاربردی و بر اساس طرح تحقیق توصیفی- تحلیلی است. برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از دو روش میدانی و اسنادی بهره گرفته‌شده است. نمونه آماری پژوهش جهت تکمیل پرسشنامه تمام افراد بالای ۱۸ سال می‌باشند که در شهرستان کوهدشت زندگی می‌کنند. برای نمونه‌گیری از فرمول کوکران استفاده‌شده است که بر اساس این روش، با توجه به جمعیت ۱۱۶۲۵۴ نفر بالای ۱۸ سال در سال ۱۳۹۵(نتایج سرشماری مرکز آمار کشور۱۳۹۵) تعداد نمونه محاسبه‌شده برابر با ۳۸۳ نفر است. نمونه‌گیری با توجه نوع سکونتگاه شهری و روستایی از نوع خوشه‌ای و سهم هرکدام از سکونتگاه‌های شهری و روستایی از تعداد کل نمونه مشخص شد.

$$\frac{Nt^2.p.q}{Nd^2+t^2.p.q} =$$

$$\frac{229980 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{229980 \times 0.05^2 + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 383$$

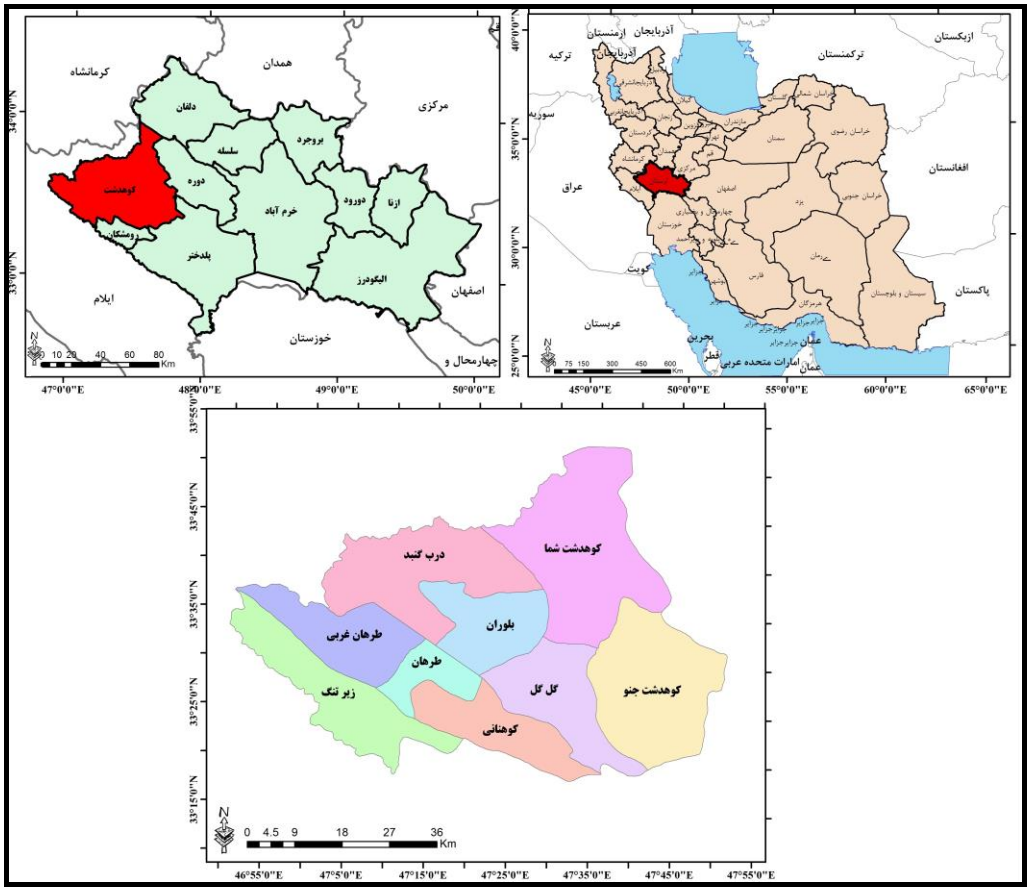


شکل ۴. پراکندگی فضایی سکونتگاه‌های نمونه در سطح شهرستان کوهدشت

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

ابزارهایی که در این پژوهش جهت تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود عبارت‌اند از: نرم‌افزارSPSS ، GIS و Excel. شهرستان کوهدشت بین ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی قرارگرفته است. مساحت این شهرستان ۳۹۸۳ کیلومترمربع می‌باشد که ۱۴/۱ درصد از مساحت استان را شامل می‌شود. این شهرستان از شمال به شهرستان دلفان و استان کرمانشاه، از جنوب به شهرستان پل‌دختر و استان ایلام، از شرق به شهرستان دوره و از مغرب به استان ایلام محدودشده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری شهرستان کوهدشت از ۴ نقطه شهری کوهدشت، درب گنبد، گراب، کوهنانی، ۴بخش شامل: درب گنبد، مرکزی، کوهنانی، طرهان، ۱۱ دهستان و ۳۰۴ پارچه آبادی دارای سکنه تشکیل‌شده است.



شکل ۵. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده موردمطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل موردنظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از شاخص‌های اصلی توسعه منطقه‌ای است. جدول زیر نرخ اشتغال در شهرستان کوهدشت را به تفکیک نقاط شهری و روستایی به نمایش می‌گذارد. نرخ اشتغال در نقاط شهری ۸۱ ٪ و در نقاط روستایی ۸۶ ٪ گزارش‌شده است. نرخ اشتغال در نقاط شهری به‌مراتب کمتر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

از نقاط روستایی است هرچند تفاوت چندانی بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود. نرخ اشتغال مردان در نقاط شهری ۸۵ ٪ و نرخ اشتغال مردان در نقاط روستایی ۸۸ ٪ است. نرخ اشتغال در نقاط روستایی به‌مراتب بالاتر از نرخ اشتغال در نقاط شهری می‌باشد. نرخ اشتغال زنان در نقاط روستایی نیز به همین مراتب می‌باشد. نرخ اشتغال زنان ساکن نقاط شهری ۶۵٪ و نرخ اشتغال زنان ساکن در نقاط روستایی ۷۳٪ می‌باشد. در روستاها به دلیل وجود کار زراعی نرخ اشتغال بالاتری نسبت به شهر را به خود اختصاص داده است و در شهر به اقتصاد شهری توجه چندانی نشده تا از ظرفیت‌های موجود به بهترین نحو استفاده شود. شهر پایدار مستلزم روستاهای پایداری می‌باشد. نیروی مازاد روستا به دلیل بیکاری به شهر روی می‌آورند و در شهر هم به دلیل نبود مهارت کافی، به‌صورت چشمگیر جذب اقتصاد شهری نمی‌شوند و درنهایت نرخ اشتغال در نقاط شهری به‌مراتب کمتر از نرخ اشتغال درروستاها است.

جدول ۱. نرخ اشتغال در نواحی شهری و روستایی شهرستان به تفکیک جنسیت

نرخ اشتغال در نقاط شهری			نرخ اشتغال در نقاط روستایی		
کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
٪ ۸۲	٪ ۸۵	٪ ۶۵	٪۸۶	٪ ۸۹	٪ ۷۳

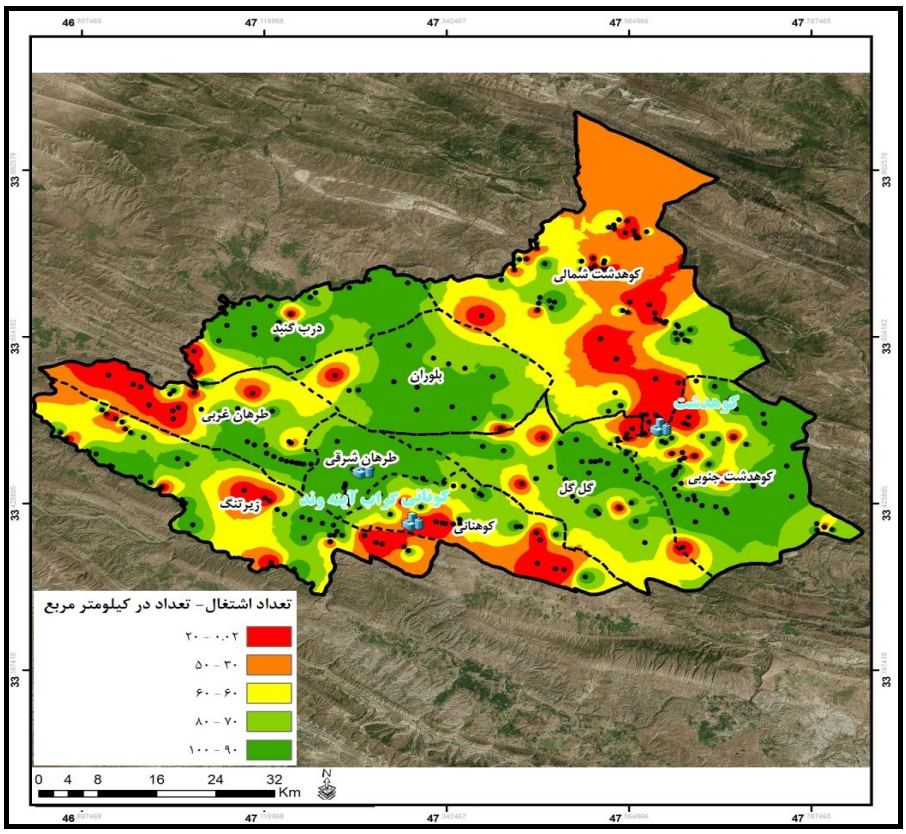
نرخ بیکاری در نقاط شهری ۱۸٪ و در نقاط روستایی ۱۳٪ می‌باشد نرخ بیکاری به‌صورت کلی در نقاط شهری به‌مراتب بیشتر از نقاط روستایی می‌باشد. نرخ بیکاری مردان در نقاط شهری ۱۴٪ و نرخ بیکاری مردان در نقاط روستایی ۱۱٪ می‌باشد. نرخ بیکاری زنان در نقاط شهری ۳۴٪ و در نقاط روستایی ۲۶٪ می‌باشد. نرخ بیکاری در هر دو نقطه شهری و روستایی در زنان بیشتر از مردان محسوس است و در کل مناطق شهری با بیکاری بیشتری نسبت به مناطق روستایی مواجه است.

جدول ۲. نرخ بیکاری در شهرستان کوهدشت به تفکیک نقاط شهری و روستایی

نرخ بیکاری در نقاط شهری			نرخ بیکاری در نقاط روستایی		
کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
۱۸٪	۱۵٪	۳۴٪	۱۴٪	۱۲٪	٪ ۲۷

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]



شکل ۶: نقشه پهنه‌بندی اشتغال در سطح شهرستان کوهدشت در سال ۱۳۹۵

در این‌بخش از پژوهش به بررسی متغیرهای اصلی درزمینه توسعه‌ای نهادی و نو منطقه‌گرایی پرداخته می‌شود. ابتدا به تحلیل توصیفی شاخص‌ها پرداخته می‌شود و سپس تأثیر میزان متغیرهای نو منطقه‌گرایی بر ظرفیت کارآفرینی، به‌عنوان مهم‌ترین عامل کاهش فقر موردسنجش قرار می‌گیرد. برای این منظور از ۱۰ تا شاخص (دانش عمومی، ظرفیت نهادی، تمایل کارآفرینی، دانش کارآفرینی، ظرفیت کارآفرینی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت، انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی) و ۱۰۰ گویه یا سؤال استفاده‌شده است. مطابق جدول (شماره۱) میانگین شاخص دانش و آگاهی در جامعه موردمطالعه برابر با ۱۹،۵۳ است که این مقدار حدود ۱،۵۳ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که آگاهی عمومی مردم در منطقه موردمطالعه در سطح بالایی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۹ و حداکثر ۲۹ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۴،۹۸ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به دست آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد.

میانگین ارزیابی افراد موردمطالعه از شاخص ظرفیت نهادی نشان می‌دهد که این شاخص برابر با ۴۲،۱۸ است که این مقدار حدود ۴،۱۸ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که مردم نقش نهادهای موجود را نسبتاً بالا ارزیابی کرده‌اند. حداقل نمره این شاخص ۲۵ و حداکثر ۵۶ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۷،۴۵ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به دست آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. لذا افراد موردمطالعه از فعالیت و کارآمدی نهادهای فعال در منطقه رضایت داشته و نقش آن‌ها را مثبت ارزیابی کرده‌اند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

میانگین شاخص تمایل افراد موردمطالعه به کارآفرینی برابر با ۲۱,۷۸ است که این مقدار حدود ۶,۷۸ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که شاخص تمایل به کارآفرینی در افراد موردمطالعه در سطح بالایی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۱۱ و حداکثر ۲۵ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۳,۵۹ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به‌دست‌آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین شاخص دانش کارآفرینی در بین افراد موردمطالعه برابر با ۱۸,۹۲ است که این مقدار حدود ۳,۹۲ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که دانش کارآفرینی افراد موردمطالعه در سطح بالایی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۹ و حداکثر ۲۵ بوده و انحراف معیار ین شاخص نیز ۳,۹۹ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به دست آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین شاخص اعتماد عمومی در جامعه موردمطالعه برابر با ۲۲,۰۵ است که این مقدار حدود ۴,۰۵ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که شاخص اعتماد عمومی در منطقه موردمطالعه در سطح بالایی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۱۰ و حداکثر ۳۰ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۴,۷۴ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به دست آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. شاخص اعتماد نهادی در جامعه موردمطالعه برابر با ۱۹,۰۶ است که این مقدار حدود ۱,۰۶ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که شاخص اعتماد نهادی در منطقه موردمطالعه در سطح متوسطی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۶ و حداکثر ۳۰ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۵,۳۹ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به‌دست‌آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود ندارد. بنابراین میزان شاخص اعتماد نهادی متوسط است. میانگین شاخص مشارکت اجتماعی در جامعه موردمطالعه برابر با ۳۴,۹۳ است که این مقدار حدود ۷,۹۳ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی در منطقه موردمطالعه در سطح بالایی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۲۵ و حداکثر ۴۲ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۴,۹۴ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به دست آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین شاخص انسجام اجتماعی در جامعه موردمطالعه برابر با ۳۴,۹۰ است که این مقدار حدود ۹.۷ نمره از میانگین مورد انتظار بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که انسجام اجتماعی در منطقه موردمطالعه در سطح بالایی قرار دارد. حداقل نمره این شاخص ۲۱ و حداکثر ۴۵ بوده و انحراف معیار این شاخص نیز ۵,۱۸ است. همچنین در آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص شد که تفاوت میانگین به دست آمده با میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد.

میانگین شاخص سرمایه برابر است با ۱۱۰,۹۶و مقدار کمینه برابر با ۷۸ و بیشینه ۱۴۴ است. انحراف معیار این شاخص برابر با ۱۴,۴۵ و میزان چولگی نیز ۰,۲۰- است. با توجه به اینکه مقدار چولگی (Skewness) در فاصله بین ۲ و ۲- قرار دارد می‌توان گفت توزیع نمرات مربوط به این متغیر در سطح نرمال قرار دارد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

جدول ۳. تحلیل شاخص‌های نو منطقه‌گرایی در شهرستان کوهدشت

متغیر	تعداد پاسخگو	تعداد سؤال	کمترین	بیشترین	میانگین	میانگین پیش‌بینی	انحراف معیار	چولگی
دانش عمومی	۳۸۳	۶	۹,۰۰	۲۹,۰۰	۱۹,۵۳	۱۸	۴,۹۹	-۰,۰۶
ظرفیت نهادی	۳۸۳	۱۲	۲۵,۰۰	۵۶,۰۰	۴۲,۱۹	۳۶	۷,۴۵	-۰,۰۶
تمایل کارآفرینی	۳۸۳	۵	۱۱,۰۰	۲۵,۰۰	۲۱,۷۹	۱۵	۳,۵۹	-۱,۳۴
دانش کارآفرینی	۳۸۳	۵	۹,۰۰	۲۵,۰۰	۱۸,۹۲	۱۵	۳,۹۹	-۰,۱۶
ظرفیت کارآفرینی	۳۸۳	۱۲	۲۰,۰۰	۵۰,۰۰	۴۰,۷۱	۳۶	۶,۴۴	-۱,۰۲
اعتماد عمومی	۳۸۳	۶	۱۰,۰۰	۳۰,۰۰	۲۲,۰۵	۱۸	۴,۷۵	-۰,۶۶
اعتماد نهادی	۳۸۳	۶	۶,۰۰	۳۰,۰۰	۱۹,۰۷	۱۸	۵,۴۰	-۰,۴
مشارکت	۳۸۳	۹	۲۵,۰۰	۴۵,۰۰	۳۴,۹۳	۲۷	۴,۹۴	-۰,۰۲۹
انسجام اجتماعی	۳۸۳	۹	۲۱,۰۰	۴۵,۰۰	۳۴,۹۱	۲۷	۵,۱۹	-۰,۲۱
سرمایه اجتماعی	۳۸۳	۳۰	۷۸,۰۰	۱۴۴,۰۰	۱۱۰,۹۶	۹۰	۱۴,۴۵	-۰,۲۰

جهت تحلیل ارتباط بین عوامل مؤثر بر کارآفرینی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی کاهش فقر از تحلیل همبستگی استفاده شد. در جدول شماره ۲ میزان همبستگی عوامل مرتبط با شاخص کارآفرینی نشان داده‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود متغیرهای دانش و آگاهی (r= ۳۲۳.۰)، اعتماد عمومی (r= ۰,۲۶۸)، مشارکت (r= ۰,۵۹۹) و تحصیلات (r= ۰,۲۶۷) با ظرفیت کارآفرینی همبستگی دارند؛ درحالی‌که متغیرهای اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی و ظرفیت نهادی هیچ‌گونه همبستگی با ظرفیت کارآفرینی در منطقه موردبررسی ندارند. بنابراین افزایش دانش عمومی، اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و تحصیلات افراد می‌تواند در افزایش ظرفیت کارآفرینی مؤثر واقع شود.

جدول ۴: میزان همبستگی متغیرهای موردبررسی با ظرفیت کارآفرینی

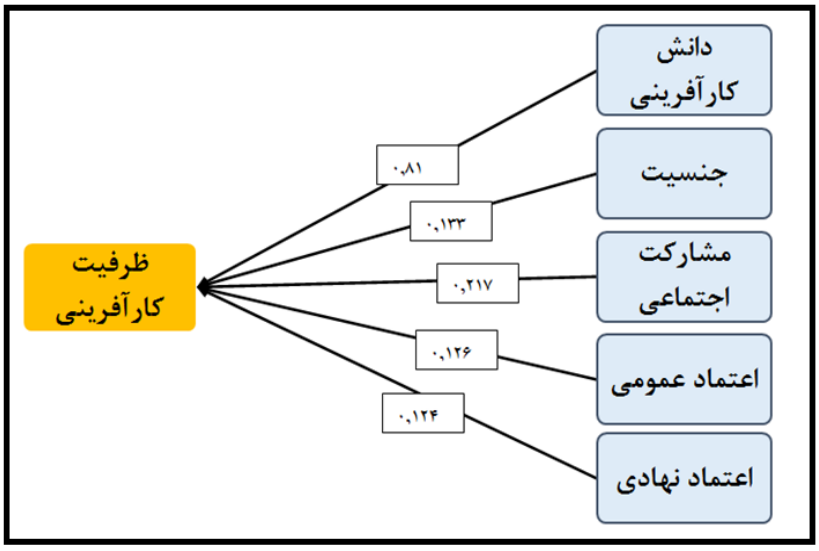
		دانش و آگاه	اعتماد عمومی	اعتماد نهادی	مشارکت	انسجام	ظرفیت نهادی	تحصیلات
ظرفیت کارآفرینی	همبستگی	۰,۳۲۴**	۰,۲۶۸*	۰,۲۱۶-	۰,۵۹۹**	۰,۲۱۹	۰,۰۰۲-	۰,۲۶۷*
	معناداری	۰,۰۰۵	۰,۰۲۰	۰,۰۶۳	۰,۰۰۰	۰,۰۵۹	۰,۹۸۵	۰,۰۲۱
	تعداد	۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳

* معناداری در سطح ۹۵ ٪ ** معناداری در سطح ۹۹٪

به‌منظور بررسی تأثیر عوامل مرتبط با در جامعه موردمطالعه از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده‌شده است. در این آزمون از روش گام‌به‌گام (Stepwise) بهره گرفته‌شده است. به این شکل که در هر مرحله یکی از متغیرها وارد معادله رگرسیونی شده و سهم هرکدام از متغیرها در تبیین متغیر وابسته تبیین شده است. در جداول زیر نتایج تحلیل رگرسیون نشان داده‌شده است. این آزمون در پنج مرحله تکرار شده

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

است که درنهایت پنج متغیر دانش کارآفرینی، جنسیت، اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی به شکل معناداری بر میزان ظرفیت کارآفرینی در جامعه محلی تأثیر معنادار دارند. با توجه به نتایج رگرسیون چندگانه که در چند گام انجام گرفت، می‌توان گفت سهم دانش کارآفرینی در ایجاد و ارتقای ظرفیت‌های کارآفرینی تأثیر قابل‌توجهی دارد. اما نباید فراموش کرد که ابعاد سرمایه اجتماعی نیز سهم انکارناپذیری در افزایش این ظرفیت دارند. اگر بخواهیم نقش هرکدام از متغیرهای موردبررسی را در قالب نمودار تحلیل مسیر نشان دهیم، می‌توان آن را به شکل زیر نمایش داد. در نمودار زیر مقادیر استانداردشده بتا برای هرکدام از متغیرها نشان داده‌شده است.



شکل ۷. تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر کارآفرینی

۵) نتیجه‌گیری

پایه تئوریک رویکرد به توسعه منطقه‌ای در فرآیند جهانی‌شدن، بسی تغییر کرده است. پیش از دهه ۱۹۷۰، رویکردهای سنتی توسعه منطقه‌ای بر منابع برون‌زا، مداخله حکومت و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی با هدایت سیاست‌های اقتصاد منطقه‌ای به دست دولت تکیه داشت. اما بحران‌های دهه ۱۹۷۰، افزایش بهای نفت، کاهش رشد اقتصادی و... تداوم سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت‌ها را ناممکن ساخت و رویکرد رشد، درون‌زا، بر رشد اقتصادی و مدل‌های توسعه اثر گذاشت. ازآن‌پس مدل‌های توسعه سرزمینی تحول‌یافته و نام‌های گوناگونی به خود گرفته است. در این رویکرد درون‌زا، مناطق به‌عنوان سطوح معنی‌دار برای توسعه، موردتوجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد، توسعه منطقه‌ای خوشه گرا پیوسته از دیدگاه‌های گوناگون و گاهی همپوش مانند نواحی صنعتی، فضاهای صنعتی جدید، محیط‌های نوآور، خوشه‌های صنعتی و... در چارچوب پارادایم" نو منطقه‌گرایی" بررسی‌شده که در درون خود، به دنبال شناخت نقش خوشه‌ای شدن صنعتی و اثرات آن بر یادگیری، نوآوری و توسعه منطقه‌ای است. که این نوع رویکرد درواقع در پی ارتقاء توانمندی‌های منطقه برای توسعه یکپارچه و کاهش نابرابری در زمینه‌های استفاده از فرصت‌ها و امکانات نواحی مختلف جهت رفاه بیشتر و معیشت پایدار ساکنین

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

می‌باشد. اولین راهکارهای کاهش فقر از منظر نو منطقه‌گرایی، محله گرایی است که باعث می‌شود مشکلات از کوچک‌ترین واحدها ریشه‌یابی شود تا به ابعاد بزرگ‌تر برسد. زمانی که مشکلات در سطح کوچک بررسی می‌شود باعث افزایش اعتماد اجتماعی و افزایش حس تعلق مکانی برای ساکنین می‌شود، این نوع برنامه‌ریزی‌ها که از نوع برنامه‌ریزی پایین به بالا است برای حل‌وفصل مشکلات از ابعاد کوچک تقسیمات سیاسی استفاده می‌کند تا به نحوه احسن مشکلات را حل‌وفصل کند. این عوامل باعث افزایش کارایی برنامه‌ریزی می‌شود زیرا در برنامه‌ریزی کوچک‌ترین مسائل هم در نظر گرفته‌شده و برای آن به‌درستی برنامه‌ریزی می‌شود، از طرفی محلی گرایی و برنامه‌ریزی برای آن، باعث ماندگاری جامعه محلی می‌شود و حس مسئولیت برای ساکنین ایجاد می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش (صرافی و نجاتی، ۱۳۹۲: ۸۵۷) که بر تعادل‌بخشی، بهره‌برداری بهینه و هم‌افزایی منابع و همچنین استفاده و تقویت مزیت‌های رقابتی مناطق کشور تأکید داشته‌اند همسو بوده است و بحث استفاده از مزیت‌های محلی و ظرفیت‌های کارآفرینی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی نو منطقه‌گرایی در توسعه منطقه‌ای مناطق محروم تأثیرگذار است. از طرف دیگر نتایج پژوهش حاضر با نتایج شانکار وشان (۲۰۰۳) و هتنه و همکاران (۱۹۹۸) مطابقت دارد که شکست برنامه‌های ملی و منطقه‌ای مانع توسعه محلی و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای در سطح ملی شده است که برای برون‌رفت از این وضعیت لازم است تا اصول نو منطقه‌گرایی در رفع محرومیت‌ها و کاهش فقر بکار گرفته شوند. ازنظر تفاوت میزان فقر بین نواحی شهری و روستایی در نواحی محروم نتایج این پژوهش با پیرایی و شهسوار (۱۳۸۸) مطابقت دارد که فقر در مناطق شهری بیشتر از نواحی روستایی است.

در این پژوهش، شاخص‌های نو منطقه‌گرایی و تحلیل همبستگی و رگرسیون بین شاخص‌ها مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تغییر رویکرد منطقه‌گرایی به نو منطقه‌گرایی در برخورد با توسعه اقتصادی محلی و نواحی محروم می‌تواند به آزادسازی ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی شده و اقدام اجتماعی و محلی را در پی خواهد داشت. بر اساس تحلیل داده‌ها، نتایج پژوهش حاکی از آن است که شهرستان کوهدشت به لحاظ شاخص‌های نو منطقه‌گرایی وضعیت مناسبی دارد که می‌تواند با تقویت آن‌ها و هدایت کردن سرمایه‌های اجتماعی در قالب مشارکت‌های اجتماعی و تعاونی‌های تولیدی در نواحی شهری و روستایی فرآیند سرمایه به ثروت اتفاق بیافتد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عوامل دانش کارآفرینی (۰/۸۱)، مشارکت اجتماعی (۰/۲۱۷)، جنسیت (۰/۱۳۳)، اعتماد عمومی (۰/۱۲۶) و اعتماد نهادی (۰/۱۲۴) بیشترین تأثیر را بر ظرفیت کارآفرینی (شاخص کاهش فقر شهری و روستایی) دارد. بنابراین جهت بهبود وضعیت اقتصادی و محرومیت در نواحی شهری و روستایی شهرستان کوهدشت لازم است شاخص‌های مربوطه موردتوجه قرار گیرد. این امر می‌تواند، از طریق ارتقاء ظرفیت کارآفرینی اتفاق بیافتد. درواقع فرآیند تبدیل سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی، طبیعی، مالی و زیرساختی از طریق کارآفرینی با پیاده کردن راهبردهای خوشه‌های صنعتی، منظومه‌های پایدار روستایی، تکمیل زنجیره عرضه و ارزش امکان‌پذیر است. به‌طورکلی جهت کاهش فقر در نواحی روستایی با رویکرد نو منطقه‌گرایی موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

- توسعه فضای کسب‌وکارهای خُرد روستایی و شهری؛
- ایجاد صندوق‌های خُرد روستایی؛
- توسعه پروژه‌های مشارکتی محلی بر اساس مزیت‌های شهرستان؛
- تقویت تعاونی‌های تولیدی و بازاریابی در نقاط شهری و نواحی روستایی؛
- ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان در شهرستان جهت بهبود فرآیندهای تولیدی و فرآوری.

۶) منابع

- احمد آخوندی، عباس، برک‌پور، ناصر، طاهر خانی، حبیب‌الله، اسدی، ایرج، (۱۳۸۵)، **تفرق سیاسی و مدیریتی در اداره منطقه کلان‌شهری تهران، پیامدها و راهبردها**، دومین سمینار ساخت‌وساز در پایتخت، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده فنی.
- افراخته، حسن، حجی‌پور، محمد، (۱۳۹۴)، **اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۱۰-۸۷.
- پیرائی، خسرو، شهسوار، محمدرضا، (۱۳۸۸)، **بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس**، پژوهشنامه اقتصادی، سال ۹، شماره ۳، ۲۶۴-۲۳۳.
- رشیدی، پیام، ناجی میدانی، علی‌اکبر، (۱۳۹۲)، **بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان خراسان رضوی (۱۳۸۵-۱۳۹۱)**، فصلنامه و الگوسازی، سال ۴، شماره ۱۴و۱۵، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۵۵-۱۳۳.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران، جلد۱**. تهران: انتشارات قومس.
- رضوی، سید حسن، (۱۳۷۷)، **روستا؛ فقر، توسعه. تهران: انتشارات روستا و توسعه**، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- رضوی، سید حسن، موسوی نژاد مقدم، سید بابک، رحیمی سوره، صمد، شاه شجاعی، علی، (۱۳۸۲)، **روستا، فقر، توسعه، جلد دوم: روش‌ها و الگوهای مقابله با فقر روستایی(تجارب کشورهای آسیایی)**. تهران: انتشارات روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- زنوز، هادی، (۱۳۸۴)؛ **فقر و نابرابری درآمد در ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال۸، شماره ۱۷، صص ۱۶۵-۲۰۶.
- ساعی، احمد، (۱۳۸۵)، **جهانی‌شدن و نو منطقه‌گرایی؛ تعامل یا تقابل**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی(دانشگاه تهران)، سال ۷، شماره۲، صص ۷۹-۹۲.
- صرافی، مظفر، نجاتی، ناصر، (۱۳۹۳)، **رویکرد نو منطقه‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت فضایی ایران**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴. صص ۸۷۴-۸۵۷.
- عبداللهی، عبدالله، ولائی، محمد، انوری، آرزو، (۱۳۹۲)، **ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی در کاهش فقر روستایی مورد: روستایی قپچاق، شهرستان میاندوآب**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۳۳.
- عزیزی، منصور، موحد، علی، ساسان پور، فرزانه، کرده، نعمت، (۱۳۹۲)، **تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد)**، مجله سپهر، سال ۵، شماره، ۹۰، صص ۶۹-۶۰.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

- علمی، زهرا، علی تبار، فهیمه، (۱۳۹۱)، **اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸.** فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۰۴-۱۰۹.
- کلیتون، آندرو، اوکلی، پیتر، پرات، برایان، (۱۳۸۳)، **توانمندسازی مردم: راهنمایی برای مشارکت**. تهران: مترجم: پیروز ایزدی، انتشارات روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- محمد یگانه، بهروز، چراغی، مهدی، یزدانی، زهرا، (۱۳۹۳)، **تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی‌هایی اقتصاد- اجتماعی موردشناسی؛ دهستان محمودآباد، شهرستان شاهین‌دژ**، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۱۳، صص ۹۶-۸۳.
- هندی‌زاده، هنگامه، کرباسی، علیرضا، محمدزاده، سیدحسین، (۱۳۹۷)، **تحلیل فضایی عوامل اثرگذار بر فقر روستایی و ارتباط آن با تخریب محیطزیست مورد: شهرستان قائنات**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۴۸-۱۳۱.
- یوسفی، علی، شکیبا، مهدیان، خلج، سکینه، (۱۳۹۴)، **شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران**. پژوهش‌های روستایی، سال۶، شماره ۴، صص ۷۲۱-۶۹۹.
- Candelaria, Christopher, Daly, Mary, Hale, Galina, (2010), **Beyond Kuznets: Persistent Regional Inequality in China**, Federal Reserve Bank of San Francisco.
- Coetzee, E, (2002), **Urban Vulnerability: Perspectives from South Africa**. Cape Town: Periperi.
- Effah, Kofi B, (2006), **The Impact of Technical Assistance Program on Science and Technology Policies and Programs in Africa"** In S. Adjibolosoo, ed. The International Development Program of Activities.
- effah, kofi, (2006), **the Impact of Technical Assistance Program on Science and Technology Policies and Programs in Africa In S. Adjibolosoo, ed**, The International Development Program of Activities,
- Farrell, Mary, Bjorn Hettne, and Luk Van Langenhove, (2005**), Global Politics of Regionalism: Theory and Practice**. Pluto Press.
- Gruge, Jean B l, (2004**), New Regionalism and Modes of Governance — Comparing US and EU Strategies in Latin America**. ECPR-European Consortium for Political Research,Vol.No,10(4),pp. 603-626.
- Hettne, Björn,(1998), **Studies in the New Regionalism**, London, Macmillan Press.
- Hettne, Björn, Söderbaum, Fredrik (1998), **The New Regionalism Approach**, Politeia, Vol 17, No 3, pp. 6-21.
- Laderchi, Ruggeri, Saith ,Stewart, (2003), **Does it Matter that we do not Agree on the Definition of Poverty? A Comparison of Four Approaches.** " Oxford Development Studies, Vol.10, No, 5, pp.243-274.
- lamont, rawi, M.Herreera, iain johnston ,Rose McDermott, (2006**), Identity as a Variable: A Guide to Conceptualization and Measurement of Identity,** cambridge,MA.
- Lamont, Rawi, Yoshiko M. Herrera, Alastair Iain Johnston, and Rose McDermott. (2006**). Identity as a Variable: A Guide to Conceptualization and Measurement of Identity**." Cambridge, MA.
- Park, Chang-Gun, (2006), **Japan's Policy Stance on East Asian Neo-Regionalism: From Being a "Reluctant", to Becoming a "Proactive" State**,

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]

Perspectives on East Asian Economies and Industries.Vol.12, No,1,pp. 285-301.

- peterson, ann, Mcalpine, Ward, and Suzanne Rayner, (2007**), New regionalism and nature conservation: Lessons from South East Queensland, Australia**, Landscape and Urban,Vol.8, No,1, pp. 132-144.
- Schiller, Bradley R, (2001), **The economics of poverty and discrimination new jersey**: Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- Shankar, Raja, Shah, Anwar, (2003), **Bridging the Economic Divide within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities**, World Development, Volume 31, Issue 8, pp 1421-1441.
- Townsend ,Peter, (1985), **A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen**, Oxford Economic Papers.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.34.1.0]